

روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانی

● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیرمسئول: سیدمهر موسوی مهر
● سردبیر: سیدمسجد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی
● ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸
● شماره: ۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
● روابط عمومی: ۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

SHAHRARANEWS.IR

۲شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

مشتاقان نامه اخلاق حرفه‌ای

دما: هوای مشهد

۲۵٪ رطوبت هوا

۸° ↓ ۲۰°

صبح ۱۲ ظهر ۱۸ عصر ۱۷ شب ۱۱

اوقات شرعی مشهد

● اذان ظهر ۱۱:۲۸:۵۰ نیمه شب شرعی ۲۲:۴۱:۵۷
● غروب آفتاب ۱۸:۱۷:۳۰ اذان صبح فردا ۰۴:۴۸:۰۳
● اذان مغرب ۱۸:۳۷:۰۵ طلوع آفتاب فردا ۰۴:۳۸:۵۴

کارتون شهر

اسامی قبول شدگان کنکور

خانم‌ها

رضا جنگی از میان داوطلبان آزمون سراسری امسال، ۶۳ درصد زن و ۳۷ درصد مرد هستند

شوخی بی‌شوخی

بعضی‌ها لورفته‌اش را دوست دارند!

● روش روان شناسانه: تست روان شناسی برگزار کنیم و اگر مشخص شد طرف درون‌گراست و اهل هم صحبتی با دیگران نیست او را طراح سؤال کنیم.

● روش خبر شوکه‌کننده: به طراح سؤالات بگوییم بود چه سازمان سنجش تمام شد شما هم خیلی زحمت کشیدی ولی بود چه برای حق الزحمه شما نداریم فقط یک کیک و آب میوه از این‌ها که به‌کنکوری‌ها می‌دهیم به شما هم می‌دهیم این‌گونه طراح به‌کمای چند ماهه می‌رود و ما خیالمان راحت می‌شود که این سؤالات لو نخواستیم.

● روش کوچک‌ای: طراحان سؤال را پس از همان‌طور ارزان‌مانند روی طراح سؤالات دوتا چهاراییتری بنزین بریزیم و سؤالات او را آتش بنزیم.

● روش پاک کردن تاریخچه ذهنی: یک چوب‌توی کله طراح سؤال بنزیم که هر چه سؤال طرح کرده و نکرده از یادش برود.

● روش آزمون استخدامی: قبل از اینکه طراح سؤال را استخدام کنیم از او بپرسیم پریشب شام چی خوردی؟ اگر خندید و گفت من یادم نیست حتی دیدم شام چی خوردم او را به عنوان طراح سؤال استخدام کنیم.

اول شخص

رقص قلم در دستان شعله

یادی از اسماعیل آشتیانی، شاعر، نقاش و ادیب فقید معاصر که ۵۴ سال پیش در چنین روزی درگذشت

نام میرزا حسن آشتیانی، قیام تنباکو در عهد ناصرالدین شاه را تداعی می‌کند و بعدتر پسرش مرتضی آشتیانی، از فقهای بزرگ حوزه علمیه، با پیوستن به جنبش مشروطیت و تحصن در حرم عبدالعظیم حسنی راه پدر را ادامه داد. حالا از چنین نسلی، پسری متولد شده، اسماعیل نام‌که خط و ربط علائقش نه به سیاست می‌رسد و نه به کنسوت روحانیت. اسماعیل از همان ابتدا که چشم و گوش باز کرد و به خود آمد، شیفته هنر شد. تحصیلاتش را در مدرسه‌های اسلام و دارالفنون پیش گرفت و هر چه جلوتر می‌آمد، ظواهر دل بستگی به نگارگری در او بیشتر عیان می‌شد. پدرش اما به رسم خاندانش، آرزو داشت او را نیز در لباس طلبگی ببیند یا دست‌کم به بازار کسب و کار بیفتد اما هنر، خط قرمزی بود که اسماعیل برای عبور از آن می‌بایست استعداد شگرف خود را در نقاشی اثبات می‌کرد. پس با اصرار و پافشاری، به مدرسه صنایع مستظرفه رفت که آن روزها به دست کمال الملک مدیریت می‌شد. ورود به مدرسه کمال الملک، مستلزم ارائه نمونه کار بود. قبولی در این آزمون، در نهایت خانواده اسماعیل را متقاعد کرد که حضور او در رشته نقاشی آینده‌ای درخشان‌تر از دیگر زمینه‌های علمی به دنبال خواهد داشت. آن چنان‌که کمال الملک نیز تحصیل در مدرسه را مشروط به تمرکز بر هنر نقاشی دانسته بود و بلاغیر اسماعیل که به سختی رضایت خانواده را برای ادامه تحصیل در رشته هنر جلب کرده بود، با شوقی وصف‌ناپذیر و پشتکاری مثال‌زدنی، مسیر پنج ساله مدرسه را در مدت سه سال تمام کرد و شاگرد اول مدرسه کمال الملک شد. به این ترتیب به صلاح‌دید استادش، پیشه معلمی در مدرسه را دنبال کرد و مدتی بعد به سمت معاونت آن مجموعه برگزیده شد. سال ۱۳۰۷ بود که ریاست مدرسه به او واگذار شد. دوران مدیریت اسماعیل آشتیانی دوران سازندگی مدرسه صنایع مستظرفه بود. درس‌های مینیاتورسازی و تذهیب و تاریخ هنر و... در آن دوره به مجموعه اضافه شد و کتابخانه‌ای نیز به همت او گشایش یافت که سالیان سال مورد استفاده قرار گرفت. دو سال پس از آغاز مدیریت او بر مدرسه

بود که عزم سفر کرد تا از عالم هنر توشه تازه‌ای بگیرد. پس در سال ۱۳۰۹ به اروپا سفر کرد و در میانه تجربات خود با شرکت فیلم‌برداری «اوا»، روبرو شد. کمپانی بزرگی در آلمان که اسماعیل آشتیانی با تهیه تک‌چهره از برخی هنرپیشگان مشهور آن شرکت مشغول به کار شد. همکاری موفقیت‌آمیز این دو، کمپانی آلمانی را ترغیب کرد تا استعدادی

چون اسماعیل را در کشور خود حفظ کند. اما با پایان تحصیلات، شوق بازگشت به وطن موجب شد تا دست‌زد به سینه آلمانی‌ها بزند و به ایران برگردد. سپس با کوله‌باری از تجربه و علم به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مدرسه دارالفنون دعوت شد و فصل تازه‌ای از تدریس را آغاز کرد. در آستانه پنجاه و چهار سالگی پس از عمری خدمت‌ارزنده به هنر مملکت، به

خودنگاره اسماعیل آشتیانی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی

گاه رنگ و گاه شعر

اسماعیل آشتیانی را هر چند به هنر نقاشی اش می‌شناسند، اما او دستی بر آتش شعر نیز داشت و با تخلص «شعله»، آثار درخور توجهی را از خود به یادگار گذاشت. دیوان اشعار، تنها اثر مکتوب به جامانده از او نبود و در حیطه پژوهش و سفرنامه نویسی و متون تخصصی، می‌توان به آثاری چون شرح حال و تاریخ حیات کمال الملک، سفرنامه اروپا، اختراع الفبایی بر مبنای حروف فارسی برای اصلاح خط، مناظر و مرابا، ادعیه قرآن یا احسن الادعیه، تصحیح دیوان منوچهری دامغانی، تصحیح دیوان امیر خسرو دهلوی، نماز در اسلام و منتخباتی از رباعیات خیام و ترانه‌های بایاطاهر و صائب و حافظ اشاره داشت.

سه نمونه از آثار مرحوم اسماعیل آشتیانی

روایت

چه مبارک خبری بود ...

علی و محمد (ص) وقتی شنیدیم الحمدا... گفتم و به حضرت ابوتراب عرض کردم که زهی سعادت مورایس که از این به بعد شمار اصدای کند. خبری کرد لعاب انداخت و چرخید. شوخی‌ها و طنزها و حرف‌هایی شنیدم که دیدم نه! هنوز این مملکت خیلی کار دارد. فکر کن خبری به این خوشی و شیرینی و لطیفی را بشنوی و با آن شوخی‌هایی بکنی که با پدرت هم رویت نمی‌شود. یکی نوشته بود احتمالاً فقط احکام صیغه و تعدد زوجات و... احکامی از این دست را فقط برایش خوانده اند و در باغ سبز نشانش داده اند و ذوق کرده و گفته چه خوب من مسلمان می‌شوم.

یکی دیگر نوشته بود، عه سلومون شد؟ خب از این به بعد باید منتظر افت تیم و پیچوندن و دبه کردنش باشیم! یکی دیگر سؤالی از شخصی ترین مسائل زندگی اش پرسیده بود و شوخی‌های مبتذل هم سرچایش! من عالم دینی نیستم. نصیحت و موعظه و حکمت هم حالی ام نمی‌شود، ولی یک چیزی را خوب بلدم و آن این است که خیلی نعل به نعل می‌توانم خودم را بگذارم جای آدم‌های دور و برم. از بعد خواندن شوخی‌ها و حرف‌ها خودم را گذاشتم جای مورایس و به این فکر کردم الان چه در کله‌اش می‌گذرد وقتی می‌بیند پیروان دینی که غیبت و تهمت و طعنه و کتایه را

حاجه عسکری شاعر و نویسنده

عکس روز

آسمانی تماشایی

بارندگی‌های اردیبهشتی در مشهد با آبی آسمان و ابرهای سپیدش، سقف شهر را تماشایی کرده است.

عکس: محمدحسن صلواتی/شهرآرا